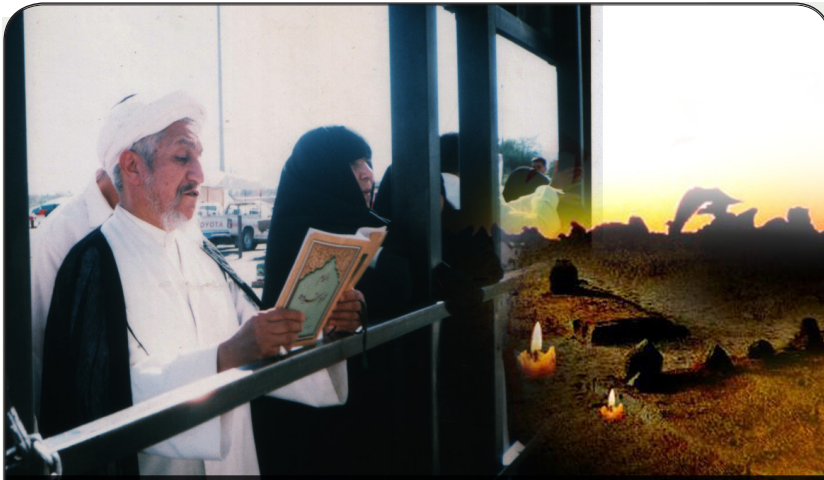


سنگرد نامه بانو شفیعی

بهمن ۱۳۹۱

عسر ماهی حضرت آیت الله العظمی صافی (مد ظله العالی)



نقاره گر شریعت شیعی - بانو شفیعی به همراه آیت الله العظمی صافی در جوار قبرستان شیعی (۱۳۸۲)

گفتگو با سرکار خانم حمیده صانعی:

مادر؛ مهربان، صبور، مدیر و شجاع بود.

مستأجر بودند و با سختی زندگی می‌کردند و یا زمانی که پدر دادستان کل کشور بودند و یا در شورای نگهبان و جاهای دیگر.

■ خوب! بعضی ممکن است که فکر کنند که اگر خانم خانه گذشت کند ممکن است شوهر سوء استفاده کند؟

❖ خیر! این کلیت ندارد. نسبت به پدر که این گونه نبود، الان هم پدر وقتی اسم مادر را می‌شنود در چشمانش اشک جاری می‌شود. و اربعین، وقتی برای سالگرد مادر بر سر مزار رفتیم پدر باز هم برای او گریه می‌کرد.

■ حال! بالعکس، رابطه پدر با مادر چگونه بود؟

❖ پدر هم سختی‌ها، رنج‌ها و مشکلات را می‌دید و همیشه ممنون این صبرها و تحمل‌های مادر بود و حتی در سال‌های آخر که مادر به سختی کار می‌کرد پدر خود، کارها را انجام می‌داد و هرچه در حد توان پدر بود در این ایام بخصوص برای مادر انجام می‌داد و پدر هم هیچ گاه در حق مادر کوتاهی نمی‌کرد و نیازهایش را برطرف می‌کرد و به حرف‌های مادر در کمک به دیگران اعتماد کامل داشت و هر زمانی که درخواستی از طرف مادر برای رفع مشکلات دیگران بود، پدر هیچ وقت کوتاهی نمی‌کرد.

■ اشاره‌ای به موفقیت‌های پدر بزرگوارتان داشتید. با توجه به این که پدر به قول خودشان یک طلبه ی فقیری بودند و بسیار ساده، یکدست و یک رنگ که به قم کوچ می‌کنند و پله‌های ترقی را در عرصه‌های علمی طی می‌کنند و یکی از شاگردان مبرز مرحوم امام و استاد حوزه می‌شوند و به مقام

هزینه زندگی می‌کرد تا پدر بتواند تحصیلات عالی انجام دهد و این مسائل را هیچ گاه به روی پدر نیاورد. واقعا مادر صدمات بسیار زیادی در زندگی خورده بود و می‌گفت اگر از سختی‌های زندگی بخواهد سخن بگوید متنوی هفتاد من کاغذ می‌شود! می‌گفت: وقتی که شب‌های جمعه پدر برای سخنرانی به تهران می‌رفت برای این که تنها بودم و در خانه احساس امنیت نداشتم، پشت در را تا بالا رختخواب می‌گذاشتم که کسی به خانه وارد نشود. همسایه‌ای داشتند روحانی که بعضی از مواقع غذایی برای ایشان می‌آورد او هیچ گاه درب را باز نمی‌کرد تا وقتی که پدر بر می‌گشت و آن غذا پشت درب می‌ماند. می‌گفت نان خشک مانده را خیس می‌کردیم و آن را می‌خوردیم و با آبروداری و صبر سختی‌های زندگی را تحمل می‌کردیم. ■ امروز شما خود را به جای مادر قرار دهید، اگر ایشان می‌خواست به زنان و دختران امروزی به عنوان الگو، نصیحتی کند چه می‌گفت؟

❖ «گذشت! گذشت میوه ای بسیار شیرین است». ایشان از بسیاری از خواسته‌هایش گذشت تا توانست زندگی را بوجود آورد با آن همه سختی، سال ۱۳۵۰ ما صاحبخانه شدیم و تا قبل آن اجاره نشین بودیم. زمان قدیم که در قم آب حوض بود، یخ بستن آب و نداشتن حمام در خانه و بسیار سخت است برای دختری ۱۳ یا ۱۴ ساله که از روستا آمده و می‌خواهد در قم زندگی کند. بسیاری از دوستان قدیم می‌گویند که او هیچ گاه رفتارش تغییر نمی‌کرد در تمام مراحل، چه زمانی که

بعضی از مواقع کمی‌احم می‌کرد و بلافاصله از راه تشویق، تربیت را انجام می‌داد و هرگز از گزینه تنبیه بدنی استفاده نمی‌کرد و هیچ یک از فرزندان به یاد ندارند که مادر، آن‌ها را تنبیه کرده باشد و بیشتر تربیت فرزندان‌ش جنبه تشویق داشت.

■ برخوردها و تربیت با فرزندان‌ش در مسائل دینی چگونه بود؟

❖ خودش چون مراعات می‌کرد و عملاً و به موقع، تکالیف دینی را انجام می‌داد این خود الگویی برای فرزندان بود و خود به خود فرزندان آن را می‌آموختند و حتی در آخرین زمان در دروهی بیماری، در آخرین شب که شب جمعه بود به سختی و

با بی حالی نمازش را خواند و زمانی که دکتر او را در تهران معاینه کرد گفت: شدت بیماری مادران چنان است که باید یک هفته بی هوش بوده باشد. ما گفتیم دیشب نمازش را خوانده و دکتر تعجب کرد. تا این حد به نماز و تکالیف اعتقاد داشت و این را به فرزندان‌ش القا کرد که در بدترین حالت، بیماری انسان نمازش را نباید ترک کند.

پدر وقتی فهم، شعور اخلاقی، معنوی و فکری مادر را می‌دید، می‌گفت: چرا باید بین زن و مرد تفاوت باشد؟!

■ ظاهراً ایشان از خانواده‌ای بودند که از نظر تمکن مالی از پدر بزرگوار شما بالاتر بودند؟ با این حال رابطه ایشان با پدر به چه صورتی بود.

❖ رابطه‌ای بسیار خوب و عالی داشت و به قول پدر: مادر به مدت ده یازده سال به گیوه بافی برای تامین مخارج زندگی مشغول بود با آن که وضعیت زندگی خانوادگی آن‌ها خوب بود و می‌توانست کمک بگیرد. وقتی از روستا به قم می‌آید غریب است و کسی را نداشت ولی در این مدت یکبار به پدر و مادرش اعتراض نکرد که وضعیت زندگی ام خوب نیست و هر وقت کسی از طرف آنها به قم می‌آمد، همیشه می‌گفت که ما زندگی خوبی دارم و به قول ما طبیعت درونی‌اش اجازه نمی‌داد که بگوید ما از نظر مالی دچار مشکل هستیم. مدت بسیار طولانی گیوه می‌بافت و آن را خرج

اشاره:

تنها دختر آیت الله، از مادر، خوبی‌ها، صبوری، شجاعت، همراهی اش با پدر در دوران عسرت، مدیریت، ساده زیستی، تربیت فرزند و نصایحش به فرزندان می‌گوید. از تأثیر به سزای مادر در موفقیت‌های پدر و فرزندان سخن به میان می‌آورد. خانم حمیده صانعی در سن سیزده سالگی به خانه شوهر رفته است با مدرک سوم راهنمایی؛ اما ازدواج را مانع پیشرفت نمی‌داند چنان چه خود، پس از ازدواج، مدارج علمی را تا کارشناسی ارشد طی کرده است. بی ریا و متواضع است چون پدر و مادر مرحومش. و اینک با راه اندازی واحد خواهران دفتر آیت الله العظمی صانعی، با همراهی دیگر خواهران، به پرسش‌های مختلف زنان و دختران پاسخ می‌گوید. وقتی در آغاز گفتگو می‌خواهیم مادر را توصیف کند، گویا تمام خاطراتش از مادر چون برق در مقابلش می‌گذرد. منانت و وقارش اجازه نمی‌دهد به راحتی بغض گلو رها کند!

■ اگر به عنوان تنها دختر مرحوم بانو شفیعی در چند جمله بخواهید مادر خود را توصیف کنید چگونه ایشان را توصیف می‌کنید؟

❖ [بغض می‌کند. غم، اجازه سخن گفتن به او نمی‌دهد. پس از لحظه ای سکوت سخن می‌گوید] مادر؛ مهربان، صبور و مدیر بود. و در همه کارها سنگ صبور بود. وقتی فکرش را می‌کنی می‌بینی آن سنگ صبور و کسی که با مهربانی تمام حرف‌هایت را گوش می‌کرد و با مهربانی تمام تو را نصیحت می‌کرد و حرف می‌زد و برایش درد دل می‌کردی و کسی که واقعا همه جوانب زندگی را در نظر داشت؛ جایش خیلی خالی است. ایشان با این که یک خانم خانه دار بود ولی مدیریت قوی داشت و ناظر بر همه چیز بود و مدیریتش الان که در میان ما نیست به زیبایی احساس می‌شود و نیست که دیگر خانه را مدیریت کند. بعضی مواقع که مشکلاتی برای پدر وجود داشت وقتی به داخل بیت می‌آمد، مادر می‌دید که پدر ناراحت است و وقتی از علتش می‌پرسید به پدر می‌گفت: ناراحت نباش مشکلات حل و برطرف می‌شود. قبل از این که با شما صحبت کنم در محضر پدر بودم. پدر گریه می‌کرد و می‌گفت: مادر همه مشکلات را در درون خود می‌ریخت و تحمل می‌کرد و من کمتر مشکلات را احساس می‌کردم و حال که او نیست مشکلات برایم دو چندان شده است. پدر حق دارد هنوز که هنوز است گریان باشد چون او یک مادر به تمام معنا مادر بود.

■ برخوردها و تربیت با فرزندان‌ش چگونه بود؟

❖ من هیچ وقت یاد ندارم که مادر با ما قهر کرده باشد در مسائل تربیتی هیچ موقع با فرزندان‌ش برای تنبیه قهر نمی‌کرد و فقط در



مرجعیت می‌رسند، آیا می‌توانید تأثیر مادر در موفقیت‌های ایشان را بیان کنید؟
 ❖ به طور کلی، در زندگی که خانه محل آرامش است اگر زن خانه، آن آرامش را بوجود نیاورد و مشکلات را برطرف نماید و ناراحتی‌های روزانه را از بین نبرد آن مرد هم نمی‌تواند آرامش را بدست آورد ولی اگر خانه محل امن باشد و مادر خانه آن آرامش را بوجود بیاورد مرد با خیال راحت می‌تواند آن پیشرفت‌هایی را که در زندگی می‌خواهد بدست آورد. پدرم وقتی آرامش در خانه را می‌دید به راحتی فرصت مطالعه برایش بوجود می‌آمد و آن پیشرفت‌های علمی نصیبش می‌شد. به قول برخی از بزرگان پشت سر هر مرد موفق حتماً زنی موفق است، حتماً زنی است که آرامش و سکون و راحتی را برای مرد ایجاد می‌کند تا مرد بتواند پله‌های ترقی را ببیماید و بدون یک زن آرام و صورت یقیناً پیشرفت امکان ندارد.

❖ با وجود فشارهای سیاسی عارض شده بر پدر، نقش مادر در کنار پدر بزرگوارتان چگونه بود؟

❖ درست زمانی که در خرداد ۸۹ به بیت حمله شده بود، تأثیر بسیار زیادی در تشدید بیماری مادر داشت و شروع بیماری به واسطه این حمله شدت گرفته بود و زمانی که جناب آقای کروی برای دیدار، به منزل پدر آمده بود و خانه محاصره شده بود، به آقای کروی گفته بود: شما اینجا بمانید ما رسم نداریم مهمان خود را در میان مهاجمان تنها بگذاریم و من به خانه ی دخترم می‌روم شما در منزل ما راحت باشید. فردای آن روز به خانه خود آمد و وضعیت بیت را دید اولین کلمه‌ای که به پدر گفت این بود که: ناراحت نباشید مگر به خانه ی حضرت زهرا(س) حمله نشد و همه این سختی‌ها زهره‌ای از سختی‌های ائمه معصومین(ع) نیست. ما خاک کف پای حضرت زهرا(س) هم نمی‌شویم آنها را آزار و اذیت کردند و به اسیری بردن این که چیزی نیست و اموال ما را فقط از بین بردند. پدر با همین سخن مادر تحت تأثیر بسیار قرار گرفت. یکی از دوستان می‌گفت من شجاعت حاج خانم را بهتر از حاج آقا قبول دارم حتی در همان درگیری‌ها حاج خانم، مرگ گفتن افراد هتاک را پاسخ می‌داد. و حتی نقل شده است همزمان با حصر آیت الله العظمی منتظری وقتی جمعیت آمده بود تا برای شهید محمد منتظری و دیگر شهدای هفت تیر مراسم برگزار کنند، نیروهایی آمدند و اجازه ندادند، ایشان از بالا فرش‌ها را پایین انداخته بود و گفته بود باید مراسم شهدا برقرار شود. در ایامی که حصر آیت الله العظمی منتظری با بر جا بود، در تمام جلساتی که در باره رفع حصر ایشان برقرار می‌شد شرکت می‌کرد و برای آزادی ایشان دعا می‌کرد. شجاعت و ترس نداشتن یکی از ویژگی‌های ایشان بود مثلاً اولین روز قدس بعد از انتخابات ایشان چادر پوشش‌دار پوشیده و در راهپیمایی با

وجود بیماری شرکت کرده بود.

❖ مادر به بانوی محبت و کرامت معروف شدند و ما از افراد مختلف شنیدیم که ایشان کارهای خیریه بسیاری چه آشکارا و مخفیانه انجام می‌داد. شما از فعالیت‌های عام المنفعه مادر بگویید.

یکی از لطف‌های خداوند در حق پدر این بود که در مدت مسئولیت حتی یک ریال از حقوق مسئولیت‌های اجرایی در زندگی‌اش خرج نشد

❖ ایشان قبل از انقلاب به خانواده‌های زندانیان سیاسی سرکشی می‌کرد و به آنان کمک‌های مادی و معنوی می‌کرد و بعد از انقلاب هم به طرق مختلف هر کسی خواسته ای داشت آن را برطرف می‌کرد. الان هم بعد از فوت، بسیاری تماس گرفتند و کمک‌های ایشان در زمان حیات را بیان می‌کردند. مزرعه یا زمینی و ساختمانی که در روستا از پدرشان به ایشان به ارث رسیده بود و یا از اموال خود ایشان بود همه را وقف حسینیه ای در محل نمود و الان به صورت یک حسینیه برای ائمه معصومین(ع) عزادری و سوگواری گرفته می‌شود. و بسیاری از مستمندان را دستگیری می‌کرد بدون اینکه ما خبری داشته باشیم و خیرخواهی ایشان نسبت به افراد در بین دوستان و آشنایان مطرح بود و در حد توان خود و به از هر طریقی مشکل را مرتفع می‌نمودند و همین خیرخواهی باعث شده که الان هم سرمایه‌ی باقی مانده از ایشان به صورت صدقه جاریه در یک صندوق قرض الحسنه قرار داده شده تا گره‌ای از مشکلات افراد محتاج باز کند. بعد از انتخابات ۸۸ بسیاری از خانواده‌های زندانیان سیاسی و هم چنین خانم‌های شهید همت و باکری با مادر دیدار داشتند و مادر از آنها دلجویی می‌کرد.

❖ بعضی معتقدند نظرات فقهی که پدر بزرگوار شما درباره زنان دارند مثل برابری دیه و یا قبول شهادت زنان و ... نشأت گرفته از رفتار مادر بوده است و آیا رفتار و برخورد مادر باعث انگیزه‌ای شد که پدر در این گونه مسائل دقت بیشتری داشته باشند و نظرات فقهی این چنینی را مطرح کنند؟
 ❖ قطعاً تأثیر داشته است زیرا بعضی از رفتارها باعث تغییر دیدگاه افراد نسبت به مسائل می‌باشد بلکه اگر نص صریح قرآن باشد در آن نمی‌شود تغییر داد ولی در فهم روایت‌ها، استنباط‌های مختلف از سوی مراجع مطرح است. پدر وقتی فهم، شعور اخلاقی، معنوی و فکری مادر را می‌دید اولین سوال که برایش پیش می‌آمد چرا باید بین زن و مرد تفاوت وجود داشته باشد. در رابطه با برخی خانم‌ها می‌گویند ایشان عقل منفصل همسرشان است و قطعاً رفتار همسر تأثیری بسیاری در افکار

شوهر خود خواهد داشت.

❖ بعد از انتخابات و حمله به بیت، [...] اطلاعیه‌ای دادند و در یک اقدام غیرمستولانه والد حضرت عالی را از مرجعیت خلع کردند! رفتار مادر در این مسئله به چه صورت بود؟
 ❖ می‌گفت: این‌ها افرادی هستند که فقط غرض شخصی و سیاسی دارند و حتی در زمان دادستانی بعضی از کارهایی که انجام می‌دادند را می‌دانست و می‌گفت من آنها را خوب می‌شناسم و حد و حدود این‌ها را آنقدر نمی‌دانست که بتوانند کسی را از مرجعیت خلع کنند. در مجموع، این گونه موارد برایش اهمیتی نداشت و اصلاً برای این‌ها حساسی باز نمی‌کرد و نسبت به این افراد شناخت کافی داشت.

❖ محافظین پدر در زمانی که ایشان کارهای اجرایی داشتند، در مورد رفتار مادر بسیار تعریف می‌کردند در این مورد نیز توضیح دهید؟

❖ در همه سمت‌های حکومتی پدر هیچ وقت اجازه آوردن غذا از سپاه را نمی‌داد و مادر به تنهایی غذای این گروه محافظین را تأمین می‌کرد و حتی با خانواده‌های آنها ارتباط داشت و نسبت به آنها محبت داشت و حتی به صورت خانوادگی با اتوبوس به زیارت می‌رفتند و در مراسم‌های آنان اعم شادی و غم شرکت می‌کرد و نسبت به خانواده آنان رفتار بسیار خوبی داشت و صمیمت در رفتارش بسیار مشهود بود و حتی وقتی محافظین بیمار می‌شدند برایشان سوپ درست می‌کرد.

در همه سمت‌های حکومتی پدر هیچ وقت اجازه آوردن غذا از سپاه را نمی‌داد و مادر به تنهایی غذای این گروه محافظین را تأمین می‌کرد و حتی با خانواده‌های آنها ارتباط داشت و نسبت به آنها محبت می‌کرد.

❖ زمانی پدرتان مسئولیت‌های اجرایی داشتند و تا حدی بیت المال در اختیار ایشان بود. رفتار مادر شما نسبت به بحث بیت المال چگونه بود؟

❖ یکی از لطف‌های خداوند در حق پدر این بود که در مدت مسئولیت حتی یک ریال از حقوق مسئولیت‌های اجرایی در زندگی‌اش خرج نشد و این خصالت هم در مادر وجود داشت و حتی اگر از کسی قرض می‌گرفت بلافاصله آن را برمی‌گرداند ولی از بیت المال هیچگونه پولی وارد زندگی آنها نشد و این شکر خداوند را در پی دارد.

❖ خاطره‌ای خاص از مادر را بیان کنید؟
 ❖ شاید دختری ۵ ساله بودم و هنوز در بیت مرحوم آیت الله زنجانی مستأجر بودیم در روز عاشورا برای شرکت در مراسم عزاداری رفتیم

در آن مراسم به خاطر شلوغی جمعیت من گم شدم و بعد از جستجو بسیار به همراه همسر آیت الله زنجانی مرا پیدا کردند و زمانی که مرا پیدا کردند با روی گشاده من را در آغوش گرفت. این گرمای آغوش ایشان را هرگز از یاد نمی‌برم.

❖ در امر شوهر داری چه نصیحتی به شما می‌کرد؟

❖ مادر همیشه می‌گفت: نسبت به شوهر خود مهربانی کن و او را دوست داشته باش مراعات حالش را بکن و نسبت به او رفتار خوبی داشته باش. او که از صبح تا شام در حال تلاش و کوشش است وقتی به منزل بر می‌گردد در کنار او باش. او دامادش را بسیار دوست داشت و همیشه به من سفارش می‌کرد که قدر شوهرت را بدان و او که احترام تو را دارد، تو نیز متقابلاً او را مورد احترام قرار بده. او که به تو اجازه درس خواندن داده و در امور علمی پیشرفت تو را می‌خواهد و از مقطع سوم راهنمایی به مقطع فوق لیسانس رسیده‌ای این خود نشان از شوهر خوب است و این ازدواج باعث پیشرفت تو شده است پس همیشه احترام او را داشته باش.

❖ آیا ازدواج مانع پیشرفت است؟
 ❖ ازدواج به موقع خوب است نه زود و نه دیر! وقتی موقعیت خوبی فراهم شود مرد نمی‌تواند مانع پشرفت زن شود و این مانعیت می‌تواند ناشی از زبان انسان باشد، در طرز رفتار مردها هر کدام کلیدی وجود دارد که با آن درب‌های بسته را می‌توان باز کرد. راه را باید جستجو کرد. طرز رفتار و برخورد زن و شوهر باعث پیشرفت هر دو می‌شود.

❖ وقتی عکس و فیلم‌های مربوط به فوت مادر و بی‌تابی و گریه پدرتان را، می‌بینیم با خود می‌گوییم این می‌تواند بی‌نظیر باشد که یک روحانی مرجع تقلید در غم همسر خود این همه به سر و سینه بزند؟ چرا؟

❖ محبت دو طرفه که بین این دو وجود داشت می‌تواند دلیل خوبی بر این رفتار باشد و از خصوصیات اخلاقی پدر این است که محبت و دوست داشتن را ابراز می‌کند و می‌گوید: نباید زن را جنس دوم حساب کرد حتی در بین بعضی از روحانیان این دیدگاه وجود دارد ولی این دیدگاه نسبت به پدر وجود ندارد چه در زمان حیات مادر و چه بعد از آن و این محبت دو طرفه باعث می‌شود زمانی که کلامی از مادر به میان می‌آید اشک در چشمان پدر جمع شود و این نشان از مهربانی و محبتی است که در طول زندگی بین این دو وجود دارد. پدر عاطفه بالایی دارند اگر مشکلی برای یکی از فرزندان پیش می‌آمد، قبل از مادر، پدر خبردار می‌شد و این نشان از محبت و عاطفه موجود در رفتار ایشان است؛ «از کوزه همان برون تراود که در اوست».



بانو در کلام دیگران

(گزیده هایی از پیام های تسلیت و مقالات)

آیت الله العظمی سید علی محمد دستغیب: فقدان این بانوی متقی و وفادار که عمری در خدمت علم و مرجعیت تمام سختی ها، اهانته ها و بی مهری ها را تحمل نمود؛ ثلمه ای جبران ناپذیر خواهد بود.

حضرت آیت الله محقق داماد:

رحلت زوجه مکرمه آنجناب را به حضورتان تسلیت عرض می کنم و برای جنابعالی سلامتی و عزت مستدام و برای آن مرحومه مغفوره در درجات اعلی و برای بازماندگان سوگوار اجر جزیل و صبر جمیل از درگاه حضرت حق متعال مسئلت دارم.

آیت الله هاشمی رفسنجانی:

درگذشت همسر مکرمه موجب تأسف و تأثر خاطر گردید. مصیبت وارده را تسلیت گفته، از درگاه خداوند متعال برای آن فقیده سعیده غفران الهی و برای بازماندگان به ویژه حضرت تعالی صبر و اجر مسألت می کنم.

آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی با کمال تأسف و تأثر درگذشت بانوی مجلله با فضیلت همسران را حضورتان و بیت شریف تسلیت عرض می کنم و از خداوند سبحان علو درجات آن فقیده و طول عمر و سلامتی وجود شریف را از خداوند متعال مسئلت دارم.

آیت الله طاهری اصفهانی:

خبر ارتحال همسر باوفای مومن و متقیه آنجناب را که همواره با حضرت تعالی در کلیه عرصه ها و مبارزات همسنگر و همراه بود دریافت نموده، متأثر و متالم گردیدیم. اینجناب رحلت آن بانوی مکرمه و متدینه را به شما و همه فرزندان و

بستگان تسلیت عرض نموده و از خداوند سبحان مسئلت دارم که ایشان را با حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(س)، بانوی دو عالم محشور و مشمول رحمت واسعه خویش گرداند و صبر جمیل و اجر جزیل عنایت فرماید. ان شاء الله.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی:

درگذشت تأسف انگیز بانوی پرهیزگار و عالیقدر و همسر مکرمه آنجناب را از صمیم قلب به محضر مبارک حضرت تعالی و همه بستگان داغدار تسلیت عرض می کنم. خداوند وجود مبارک که منشاء خیر و کرامت فراوان برای حوزه علمیه و جامعه اسلامی است از هر گزند محفوظ بدارد و توفیقات را در راه دفاع از حیثیت اسلام و مکتب نورانی اهل بیت و باروری و پویایی فقه پر بار اسلامی روز افزون فرماید.

حجت الاسلام والمسلمین احمد منتظری:

کرامت و شجاعت و لطف و محبت به مردم و صبر و مقاومت در برابر فشارها و ظلم ها، صفاتی بود که اینجناب در طول ۳۰ سال همسایگی با آن مرحومه شناختم و به فاطمی بودن و زینبی بودنش یقین پیدا کردم.

دختران جناب آقای میرحسین موسوی و خانم زهرا رهنورد: ما دختران موسوی و رهنورد آن دو دستدار زندانی شما

تسلیت می گویم. بدون شک آن بانوی بزرگوار با شجاعت، صبوری، تقوا و فضیلت و زندگی مسئولانه در کنار شما که آثار و برکات فراوان داشته است، می تواند الگوی ارجمندی برای زنان امروز جامعه ما باشد.

مجمع روحانیون مبارز:

از خدای متعال رحمت و رضوان و غفران برای آن مرحومه و سلامتی و عزت و سربلندی جهت همه بازماندگان خصوصاً حضرت تعالی که از مفاخر ارزشمند اسلام و حوزه های علمیه و از دست پروردگان صدیق امام راحل و از درد آشنایان جامعه اسلامی و مردم مسلمان ایران هستی دار زومندیم.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی:

آیت الله صانعی، مرجع بزرگ، مبارز و آزاده، که همواره در طول سالهای مبارزات انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و پس از آن در راه حفظ اصول و آرمانهای انقلاب پایدار مانده است، بی شک به پشتوانه ی حمایت ها و صبوری های چنان همسری بوده که در این راه استوار حرکت کرده است.

جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی: ما جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی که همواره محضر و بیت حضرت عالی را ملجأ و تسکینی بر زخم های دل خود دانسته و می دانیم و هنگام آلام و سختیها و در اوج ناامیدی ها، کلام و رهنمودهای آن مرجع عالیقدر، برایمان آرام بخش و امید آفرین بوده و می باشد، فقدان آن بانوی مکرمه را که در جریان تلخ این سالها عاملی تأثیر گذار در ایجاد و تشدید بیماریشان بود، به شما و بیت محترمان تسلیت عرض می کنیم.

خانم جمیله کدیور:

وقتی چهره گریان ایشان را در فراق و سوگ همسر دیدم، دریافتم برخلاف اکثر آقایان مراجع که معمولاً خانم را در اندرونی خانه نگاه می دارند؛ و کمتر دیده شده است که مرجع تقلیدی با همسر خود در خیابان شانه به شانه هم راه بروند؛ یا مرجع تقلیدی اسم همسر خویش را به زبان بیاورد و یا از همسرش در جمعی عمومی یا خصوصی یاد کند - چه رسد به اینکه مواضع شجاعانه در مورد زنان و حقوق از یاد رفته و فراموش شده آنان داشته باشد؛ اکنون مرجعی از صمیم دل و آشکارا در سوگ همسرش می گرید.

عماد الدین باقی:

رفتار مرحومه در خصوص همسایه گرامی اش و همدلی هایی که با آنان داشت از همین شخصیت متین نشأت می گرفت. گرچه او زنی سنتی و مذهبی از خانواده ای سنتی بود اما نشان از اقتدار زن و نفوذ او در خانواده های سنتی و استحکام خانواده گی می داد که نه موهون حقوق و سیاست و فمینیسم که موهون اخلاق است. فمینیسم گرچه با شروطی می تواند مصلحت عام را تدارک کند اما اقتدار برخاسته از روابط انسانی و اخلاقی در خانواده ای سنتی که خبری از این غوغاها نیز نداشته اند نشان می دهد بیش از فمینیسم نیازمند تقویت و ارتقای اخلاق هستیم.



حضرات آیات عظام: وحید خراسانی و صافی گلپایگانی دام ظلیمما العالی



مراسم تشییع جنازه بانو شفیعی



اقامه نماز توسط حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی نامت برگانه

آیت الله العظمی صانعی پس از خاکسپاری همسر:

ای یار پنجاه ساله من! ای غمخوار پنجاه ساله من، ای یاورم در زندگی، ای کسی که یک روز شکایت مرا به هیچ کس نکردی! خداوند! خودت رحمتت را بر او نازل کن! خدایا! اگر تحریم نکرده بودی، علاقه من و همسرم آنقدر بود که خودم را هم همراه او دفن می کردم اما چه کنم غدقن کردی، به فرمان تو هستم خدا. یا حضرت زهرا! ۵۰ سال با این همسر مهربان زندگی کردم حال او را به تو می سپارم. صلی الله علیک یا بنت رسول الله (س)

به همراه تمامی خانواده فقدان همسر بزرگوار و گرامیتان را تسلیت می گویم.

همسر و فرزندان آقای کروبی:

خبر درگذشت یار و همراه گرامیتان سرکار خانم شفیعی موجب تأسف و تأثر بسیار شد. صداقت، خوبی و مهربانی بخشی از ویژگی های این عزیز سفر کرده است. هرگز نمی توان مقاومت، صبر و بزرگی ایشان در برابر ظلم های اصحاب قدرت از جمله تهاجم وحشیانه اوپاش حکومتی به منزل در زمان دیدار آقای کروبی و نیز رفتارهای مشمئز کننده در خرداد ماه ۱۳۸۸ و محروم کردن خانواده از حق زیستن را فراموش کرد.

حجت الاسلام والمسلمین حسن یوسفی اشکوری:

نقش زنانی چنین، گرچه در تاریخ چندان برجسته و پر آوازه نیست اما در زیر پوست تاریخ منجمد و در لابلا سطور نانوشته کتاب قطور و پر فسانه تاریخ، نقش و عملکرد درخشان زنانی آگاه، بیدار، هوشمند، اهل ایثار، دلیر، صبور و مشوق پیشتازان بر آگاهان و بیداران و به ویژه بر مورخان پوشیده نیست.

مصطفی تاج زاده:

درگذشت مرحومه مغفوره حاجیه خانم شفیعی همسر بزرگوارتان را به حضرت عالی و فرزندان گرامی تان

چند خاطره از مرحومه بانو شفیعی

■ آیت الله العظمی شبیری زنجانی شخصاً در مراسم یادبود بانو در حسینیه شهادر قم شرکت کردند و به آیت الله صانعی فرمودند: «همسر شما حق حیات به گردن پدر و مادر من دارند؛ در ایامی که شما مستأجر آن ها و دو خانواده در یک خانه بودید روزی همسرتان می بیند از پدر مادر م صدایی نمی آید، آن ها را صدا می زند اما جوابی نمی شنود. درب اتاقشان را باز می کند و می بیند بر اثر گاز چراغ نفتی هر دو بی حال روی زمین افتاده اند درب را باز کرده با سرو صدا از همسایگان کمک خواسته و والدین مرا از مرگ حتمی نجات می دهد. با این وصف بر خودم فرض دانستم شخصاً در این مراسم حاضر شوم».

■ پس از درگذشت حاجیه خانم تسلیت های بسیاری گفته شد از جمله محافظان سابق آیت الله العظمی صانعی که اینک محافظ برخی مسئولان عالی هستند ضمن عرض تسلیت گفته اند: «ما همگی ایشان را مانند مادر خود می دانستیم در اکثر اوقات ایشان برای ما غذا می پخت و سر سفره ایشان مهمان بودیم. اگر یکی از ماها مریض می شدیم ایشان برایمان سوپ می پخت و نگران سلامتی ما بود. پس از ۲۵ سال هنوز محبت های مادرانه او را فراموش نخواهیم کرد».

■ درسال ۷۹- سومین سالی بود که مرحوم آیت الله منتظری در حصر به سر می برد - ، از طرف خانواده شهید محمد منتظری اعلام شد برای بزرگداشت شهدای هفت تیر به ویژه شهید بهشتی و منتظری مراسمی در منزل شهید منتظری برگزار می گردد متأسفانه مأموران دولتی و نیروهای خود سر، از برگزاری مراسم جلوگیری می کردند و عده ای از مردم را بازداشت کردند، در این هنگام حاجیه خانم درب خانه را باز کرد و مقداری فرش و موکت داخل کوچه پهن کرد و گفت: این مراسم به هر قیمتی هست، باید برگزار گردد و باید برای شهدا مراسم گرفته شود.



توصیف داماد آیت الله از بانو شفیعی

دوستان از بنده خواسته اند در توصیف بانو شفیعی مطالبی بنگارم.

ضمن گرامیداشت یکمین سالگرد درگذشت یکی از بانوان مؤمنه؛ شادروان حاجیه خانم بتول شفیعی اشاره ای مختصر به چند ویژگی اخلاقی وی که بدان باور دارم و از نزدیک شاهد بوده ام، می نمایم.

۱- **گشاده رویی:** وقتی به گنجینه ی خاطراتم با بیش از سی سال از عمرم ، مراجعه می کنم به وضوح می بینم که آن مرحومه همواره بارویی بَشاش، چهره ای خوش با من و دیگران مواجه می گشت . گاهی دقیقاً می دانستم که قلبش لبریز از اندوه است اما در گفتار و کردار کمترین نشانه ای از خود بروز نمی داد.

۲- **بردباری:** تحمل مشکلات و سختیها از دیگر صفات بارز او بود. معمولاً زندگی طلبگی به دلیل رعایت برخی از قیود همواره توأم با دشواری است اما این شیوه زندگی برای برخی بسیار دشوارتر است. به جرأت می توانم بگویم از زمانی که به عنوان شاگرد در محضر استاد فرزانه ام حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی) از سال ۱۳۵۴ تلمذ داشته ام و بخصوص بعد از سال ۵۸ که به پیوند سببی مزین گشت، همواره تلاش و سخت کوشی در زندگی معظم له مشهود بود. شگفت آن که این بانوی صبور، تمام این مدت همواره با چهره ای باز ، دشواری های زندگی مشترک را تحمل نموده و بسیاری از اوقات کارهایی را به عهده می گرفت و انجام می داد که کسی از او انتظار نداشت؛ مثلاً بیشتر اوقات غذای محافظان معظم له را این بانوی گرامی شخصاً تهیه می کرد.

۳- **خبرخواهی:** یکی دیگر از صفاتی که برای همگان قابل مشاهده بود احساس مسئولیت نسبت به دیگران بود. مهربانی ها و خیراندیشی ها و خیرخواهی هایش به گونه ای بود که آشنایان و خویشان، بارها و بارها توسط او مشکلات خود را به گوش حضرت استاد رسانده و گره از کار بسته شان گشوده می گشت.

۴- **مدیریت قوی:** شاید در ذهن بسیاری چنین جا افتاده باشد که مدیریت های قوی، خاص مردان و زنانی است که لزوماً مراحل بالای تحصیلات را داشته باشند؛ اما وقتی که تأملی در عمر کوتاه وی بشود مشاهده می شود که آن مرحومه در اداره بیت یکی از بزرگان حوزه و نظام، چنان شایستگی و لیاقت از خود نشان داده بود که امروز پس از فقدانش، خلاصه و جودی مدیریتش کاملاً محسوس است.

۵- **اعتقادات و باورهای دینی:** مکرر شاهد بودم که در ارائه راه حل به دیگران از نام شریف حضرت زهرا(س) سود جسته و با یادآوری توسل به حضرت فاطمه (س) و نذر و نیاز برای زهرای اطهر(س) راهی مطمئن برای حل مشکلات خود و دیگران می جست. امروز وقتی که با خود می اندیشم که چطور امکان دارد بیش از سی سال از این رابطه (مادر زن و داماد) بگذرد و یک کلام ناخوشایند از او نسبت به خودم و بستگانم نشنیده باشم! براستی شگفت زده می شوم. آری براستی یاد و خاطراتش از او چهره مادری مهربان و بانویی درس گرفته از زینب کبری(س) برایم به تصویر می کشد که با تمام وجودم می گویم: «اللَّهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا»، چیزی جز خاطرات نیک از وی بیاد ندارم.

نماید. بعضی اوقات متواضعانه از مطب دکتر که می آمد با روی گشاده و خندان به سراغمان می آمد در حالی که درد و رنج را تحمل می کرد و می گفت: «راضی ام به رضای خدا». امید به زندگی داشت ولی بعضی از وقت ها می گفت: «دلیم برای آقا [آیت الله صانعی] می سوزد که دیگر مثل قبل نمی توانم به ایشان خدمت کنم».

تا آنجایی که من می دانم او علاوه بر این که همسری فداکار برای شوهرش باشد، مادری مهربان و دلسوز برای فرزندانش بود و آنان را بسیار دوست داشت. دیگران را موعظه و نصیحت می کرد و راه درست را پیش روی ایشان می گذاشت و به کسانی که گرفتاری داشتند کمک می کرد به امید ذخیره شدن برای آخرت. او خیرخواه دیگران بود و هرگاه با او درد دل می کردی چنان به انسان آرامش می داد که ناراحتی را فراموش می کردی.

اما افسوس و صد افسوس که اجل آمد و او را از میان ما برد و از وجود او دیگر بی بهره شدیم اما یاد و خاطره اش هیچ گاه از ذهن فراموش نمی شود و یاد او در قلب ماست.